

هشت پرسش در مورد کابینه دوم خاتمی و دیدگاه‌های سه صاحب نظر



## هرمیداس باوند: برای انتخاب وزرا، خاتمی در فشار نبوده است

چکیده پاسخ‌های دکتر هرمیداس باوند  
به پرسش‌های گزارش از این قرار است:

در کشورهایی مانند کشور ما که قدرت دولت متمرکز است، نکته اصلی مکانیزم تفکیک قواست. در کشور ما دو نهاد مجلس و ریاست جمهوری، مبنای انتخابی و شورای نگهبان (اگر نهاد در نظر گرفته شود) و قوه قضاییه مبنای انتصابی دارد. در بیست سال اخیر و به ویژه در چهار سال گذشته، مردم خواسته‌های خودشان را از طریق قوانین که مبنای انتخابی دارند، پیگیری کرده‌اند، اما متأسفانه در کشور ما هماهنگی میان این چهار نهاد وجود نداشته است، یعنی میان دو نهادی که اساس

سو، برای تحقق این دو ارزش ویژه، حرکتی صورت گرفت و مردم هم با علاقه به این حرکت واکنش مثبت نشان دادند. انتظار مردم هم از مجلس این بوده که این دو ارزش را در انتخاب کابینه رعایت کند. مردم هم چنین با توجه به تجربه چهار ساله گذشته آقای خاتمی، و اینکه چهار سال بعدی تکرار نخواهد شد و حمایت بیشتری که هواداران ایشان علی‌رغم تمامی کارشکنی‌ها و مشکلات از او کردند، انتظار داشتند که دو اصل مردم سالاری و شایسته سالاری حداقل به طور نسبی در انتخاب همکاران قوه مجریه رعایت بشود اما چنین نشد و کسانی که در این کابینه انتخاب شدند، همان کسانی بودند که طی چهار سال

کابینه رای دهد که متأسفانه چنین نشد. در مورد یک دستی کابینه، معتقدم که کابینه چندان یک دست نیست و این بر می‌گردد به این نکته که آیا انتخاب شدگان که به این پست‌ها رسیده‌اند، سوار بر موج اصلاحات به این سمت‌ها رسیده‌اند؟ چون برخی از همین اعضای کابینه در کابینه‌های پیشین نیز حضور و یا به طور سنتی به جناح محافظه کار تعلق داشته‌اند.

در مورد دستیابی به اهداف و مواجهه با مشکلات در کابینه دوم خاتمی، دکتر باوند می‌گوید:

این موضوع بر می‌گردد به این که رییس جمهور چه تشخیص بدهد و آیا روی آن ایستادگی بکند یا نه؟ چون اگر این ایستادگی نباشد، شجاعت به همکاران منتقل نمی‌شود و باعث می‌شود که آنها در مقابل آنچه تمیل می‌شود، ایستادگی نکنند. اما اگر این شجاعت و ایستادگی از طریق رییس جمهور به همکاران تزریق شود، آنها حتی به قیمت برکناری نیز از مواضع شان کوتاه نمی‌کنند.

لذا همانطور که رفتار حاکمان در قاعده جامعه تأثیر می‌گذارد، رییس جمهور نیز به عنوان قافله سالار دولت با رفتار و کردارش می‌تواند در شاخه‌های دولت تأثیرگذار باشد.

در زمینه استقلال عمل آقای خاتمی در انتخاب کابینه، دکتر باوند چنین نظر می‌دهد: بدون تردید، آقای خاتمی در انتخاب شان، به دلیل مشروعیت عمیق تری که در دور دوم بارای مردم کسب کردند، استقلال بیشتری داشته‌اند و هر چند در گذشته، قوای دیگری نظریات خود را بر ایشان تحمیل کردند، اما همین رای مردم برای او آزادی عمل بیشتری به همراه آورد. همین آزادی عمل، انتظارات مردم را از آقای خاتمی بیشتر

خیلی از معاذیری که در گذشته قابل پذیرش بود، حالا دیگر منافی ندارد و

لذا مردم همچون هیأت منصفه‌ای دقیق، عملکرد آقای خاتمی را زیر

نظر می‌گیرند

گذشته عملکرد چندان مثبتی نداشتند و افراد جدیدی هم که انتخاب شدند، چندان سابقه درخشانی نداشته‌اند.

در این برهه، انتظار از مجلس این بود که به عنوان نماد حضور مردم، این دو اصل را رعایت کند و همانطور که در مقابل فشارهای شورای نگهبان ایستادگی کرده بود و در مقاطع مختلف، در مقابل فشار نهاد‌های انتصابی در دفاع از مردم سالاری ایستادگی نموده بود، درباره قوه مجریه نیز اصل شایسته سالاری را رعایت کند و بر این اساس، به

انتخابی دارد و دو نهادی که اساس انتصابی دارد، هماهنگی وجود نداشته که همین امر، مشکلاتی را ایجاد کرده است. به همین دلیل، مادر مسایلی مانند سیاست خارجی کشور نتوانسته ایم سیاست واحدی را اتخاذ کنیم.

حالا در آن دو نهاد انتخابی، دو ارزش ویژه شایسته سالاری و مردم سالاری مطرح شده است، یعنی مشکلاتی که در این دو بخش داشته‌ایم، بر اثر عدم مردم سالاری و عدم توجه مناسب به شایسته سالاری بوده است. از چهار سال قبل به این

رفع نارسایی ها، رفع ناهایی که مانند یک دولت کوچک در دولت عمل می کنند، تبدیل اقتصاد دلالی به اقتصاد تولیدی از جمله مهمترین چالش های دولت هستند. در بعد خارجی نیز هر کردن ظرفیت های خالی مانده، مباحثی مانند گفتگوی تمدن ها، حل و فصل معضلات، روابط قدرت های بزرگ منطقه ای و فرامنطقه ای از مهمترین مشکلات آقای خاتمی است. در این باره ما باید بالاخره با قدرت های بزرگی که امروزه مانند قدرت بازدارنده در مقابل ما عمل می کنند، به تفاهم برسیم و با کشورهای مهم منطقه ای همکاری جدی تری برقرار نماییم. در مورد روابط قوه اجرایی با قوه قضاییه نیز نظرم این است که به نظر می رسد که توجه به مصالح کشور، سرانجام این مشکل را حل کند، به ویژه مصالح و منافع کشور و تهدیدهای موجود و نیز تجارب هشت ساله اخیر سرانجام نوعی همکاری میان قوه قضاییه با قوه های مجریه و مقننه پدید خواهد آورد.

مخالفتان اصلاحات داده شد، آنها برای اصلاح طلبان مشکلات و بحران عمیق به وجود نیاورند. البته آنها (مخالفتان اصلاحات) باید بهیمنند که استفاده از ابزار ارباب و تهدید، هرچند در کوتاه مدت می تواند کره گشا باشد، ولی در بلندمدت کارآمد نخواهد بود.

پرسشی هم در مورد توانایی کابینه برای حل مشکلات مطرح کرده اید که در پاسخ باید بگویم: انتظار این است که اعضای قدیم کابینه با توجه به سوابق شان، و تجارب آزمون و خطا، با مدیریت بهتر و صحیح تر اقدام کنند و افرادی هم که به تازگی وزیر شده اند چون تجارب مدیریتی داشته اند، علی الاصول خواهند توانست در جهت رسیدن به اهداف، آقای خاتمی را یاری کنند.

و اما در مورد اولویت، آقای خاتمی و هیأت دولت جدید باید نکات زیر را در اولویت قرار دهند: در امور داخلی، رفاه و امور اقتصادی، ایجاد اشتغال، ارتقای استانداردهای زندگی عمومی و

می کند. بنابراین، در این دوره توجیهاتی که در گذشته بیان می شد، مانند عدم همراهی مجلس شورای اسلامی در مدت کوتاهی در ابتدای حرکت کابینه [اول] آقای خاتمی، عدم همراهی شورای نگهبان، نیروهای انتظامی و... دیگر پذیرفته نیست و مردم در این دوره مانند هیأت منصفه ای بسیار دقیق، رفتار و عملکرد آقای خاتمی را زیر نظر می گیرند.

**در مورد چالش هایی که فراروی کابینه دوم آقای خاتمی قرار خواهد گرفت، دکتر باوند چنین اظهار عقیده می کند:**

به نظر می رسد با توجه به وجود دو قوه انتخابی در دست اصلاح طلبان و مشروعیت این دو قوه، مشکلات چندان جدی روی ندهد و اگر هم مشکلات جدی پیش بیاید، مردم انتظار موضع گیری جدی تر و قاطع تری هم دارند. در این میان، انتظار منطقی آن است که بعد از رأی گیری ۱۸ خرداد که طی آن به نوعی، رأی عدم اعتماد به

هشت پرسش در مورد کابینه دوم خاتمی و دیدگاه های سه صاحب نظر

**محبیان:**

## این دولت، ملغمه ای است از نیروهای متفاوت



داشته باشد، باید رویکردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را می پوشانید و اگر می خواست آن را بهوشانند- و در واقع بیان گر آن باشد- نباید با طیف هایی مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و بخش های از مجمع روحانیون مبارز همراهی بکند، برای این که این ها چپ های سنتی محسوب می شوند. این تعارض مابین حرکت در عمل و بحث های تیوریک، که در تیوری چپ هستند و در عمل لیبرال، نشان دهنده این است که حرکت دولت، حرکت یک پارچه ای نیست در واقع، دولت ملغمه ای است از نیروهای متفاوت که در یک نقطه مشترک هستند و آن هم این است که آقای خاتمی آن ها را انتخاب کرده است.

باید در نظر داشت که در انتخاب کابینه، آقای خاتمی مسلماً نمی تواند به دور از فشارهای آشکار

علت عدم یک دستی وقتی بر یک گفتمان تأکید می کنیم، آن گفتمان باید اجزایش با هم همخوانی داشته باشد. در طیف دوم خرداد گرایش های متفاوتی وجود دارند که عمیقاً می شود در نگاه چپ، آنها را جمع کرد و یا حداقل هسته مرکزی آنها را. نگاه چپ، نگاهی است که اگر در اقتصاد و فرهنگ دارای دیدگاه هست، نمی تواند در نگاهی اقتصادی در تعارض با آن حرکت کند، لذا جمع بین دیدگاه های موسوم به چپ در گرایش های فرهنگی/اجتماعی با گرایش های مثلاً کارگزارانی در دولت، کار خیلی دشواری است، یعنی به نظر من، از نگاه بیرونی، کابینه از یک دستی برخوردار نیست، علتش هم این است که در تشکیل کابینه نوعی نگاه ایدئولوژیکی بر دولت حاکم نیست. دولت اگر می خواست نگاه ایدئولوژیکی

آقای امیر محبیان از نظریه پردازان جناح راست است که صرفنظر از تعلقات سیاسی، به واقع نگر و اعتقاد به انصاف در برخورد با رقیب و مخالف نیز مشهور است. پاسخ های ایشان را به پرسش های گزارش در زیر می خوانید:

اگر از منظر آقای خاتمی و برنامه های ایشان، که ما چندان بر آن اشراف نداریم، به آن نگاه کنیم، طبعاً ایشان تلاش کرده که کابینه ای همدست و یک دست با خودش ارایه دهد. اما از نگاه بیرونی، با توجه به تقسیم بندی هایی که ما از جهت گیری های سیاسی و اقتصادی- حتی- فرهنگی/اجتماعی- داریم، به نظر نمی رسد که این کابینه یک دست باشد.